

کسی منکر اهمیت خائیز نیست. آتش سوزی بخشی از طبیعت جنگل است. در مواردی هم آتش سوزی ها به صورت عمدی یا سهوی اتفاق می افتد که به فرهنگ مردم برمی گردد. پایین بودن فرهنگ مردم در برخی مناطق هم به کم کاری مابرمی گردد. تمام مناطق جنگلی که در کشور آتش گرفت، کمتر از ۱۰۰ هکتار بود. در بخش مراتع هم ۸۰۰ هکتار در آتش سوزی ها سوخت.

■ نقشه هوایی منطقه حفاظت شده خائیز نشان می دهد که تنها در این منطقه ۱۶۰۰ هکتار سوخته است.

این ها مرتع است، جنگل نیست. کل اراضی جنگلی که در تمام کشور سوخته است به ۱۰۰ هکتار نمی رسد. دو سال پیش در استرالیا دو میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار جنگل اوکالیپتوس سوخت. همین الان در پرتغال بیش از ۷۰۰ هکتار دارد می سوزد. در همین پارک پردیسان که ماشین آتش نشانی هم در ۲ کیلومتری آن ۲۴ ساعته حضور دارد، سه بار آتش سوزی داشتیم.



■ شما آتش را بخشی از طبیعت جنگل می دانید. مسعود منصور، رئیس سازمان جنگل ها از توجه رسانه ها به زاگرس متعجب است. در حالی که می دانید ۴۰ درصد آب کشور در زاگرس ذخیره است. وقتی زاگرس می سوزد، شدت سیلاب و فرسایش خاک بالا می رود، اهالی بیکار می شوند و مهاجرت بومی ها رقم می خورد.

شما حساب کنید چقدر آتش سوزی اتفاق افتاده است. ۱۰ میلیون هکتار جنگل داریم یک ۱۰ هزار مش سوخته است.

■ مشکل زاگرس که فقط آتش سوزی نیست. بخشی از جنگل های زاگرس با بیماری از بین می رود و بخشی از آنها با ساخت و ساز قطع می شود.

صحبت ما الان آتش سوزی است.

■ وقتی آتش سوزی هم به عوامل تخریب محیط زیست زاگرس اضافه می شود، حجم خسارت ها بالا می رود.

برای مدیریت زاگرس ایجاد یک پروژه کلان را پیشنهاد دادیم. مسائل زاگرس را باید در حوزه جنگل، مرتع، دام، خاک و توسعه زاگرس به صورت جامع و کلان دید. زاگرس نشین محکوم نیست که مثل هزار سال پیش زندگی کند. همه اینها را باید در قالب یک پروژه جدید دید. الان فایده ندارد ما بنشینیم و بگوییم ۱۰ هزار هکتار زاگرس سوخت. من اعتقاد دارم برای البرز و مناطق کویری هم باید یک پروژه تعریف شود. ولی مادر حال حاضر به کمبود منابع مالی برخورد داریم. اگر زاگرس یک پروژه ۱۵-۱۰ ساله داشته باشد، باید سالی

۲ تا ۳ هزار میلیارد تومان هزینه شود. هزینه هم هزینه ای است که دولت ها باید سرمایه گذاری کنند. البته ما از سرمایه گذاری بخش خصوصی در زاگرس استقبال می کنیم. بخش هایی از زاگرس هم ممکن است با منابع خارجی سرمایه گذاری شود ولی یک بخش هایی مستقل و وظیفه دولت است. دولت الان با کمبود اعتبار روبه روست.

■ از احتمال ورود بخش های خارجی برای سرمایه گذاری در زاگرس صحبت کردید. فکر می کنید سازمان های بین المللی بتوانند پروژه های جدید را در حوزه محیط زیست تعریف کنند؟

الان که نزدیک به سه سال است که تحریم هستیم و خارجی ها جواب ما را هم نمی دهند. تنها منبع مالی خارجی اخذ شده در این مدت برای ساماندهی هامون است که آن هم بعد از دو سال رفت و آمد و برررسی به ۱۰ میلیون یورو محدود شد. این پروژه هم برای احیای هامون نیست بلکه به دنبال آن است تا جوامع محلی حاشیه هامون استقلال

تنها روش سازمان جنگل ها در گذشته کشت نهال بود که بسیار گران تمام می شود. نگهداری آن سخت است و هر هکتار آن چند صد میلیون تومان هزینه در پی دارد اما بررسی های ما نشان می دهد که با قرق کردن می توان به نتیجه بهتری رسید. ما پیشنهاد دادیم از اول امسال تمام روش ها عوض شد

روابط خوب با ارمنستان، همسایه دیگر مایعنی جمهوری آذربایجان، از ما مکدر است. در طول ۷-۶ سال گذشته بیش از ۳۰ بار در سطح وزرای خارجه، محیط زیست، مرزبانی و منابع آبی با ارمنستان مذاکره کرده ایم اما هنوز که هنوز است ارمنی ها پساب معادن شان را برای مثال، ماهی دوبار در «ارس» خالی می کنند. در صورتی که این اقدام جرم بین المللی و جرم سیاسی است. ما با ارمنستان هم رفیق هستیم. عمل ارمنستان هم به صورت واضح تخلف محیط زیستی است اما به توافق نرسیده ایم. حال شما افغانستان را در نظر بگیرید که تفسیرش این است که خودش در بالادست هامون است و می خواهد آب را پشت سد هایش نگه دارد. وقتی ما با افغانستان صحبت می کنیم افغان های گویند طبق تعهدمان به شما ۸۲۶ میلیون مترمکعب آب در سال می دهیم اما بیشتر از آن را ضمانت نکرده ایم. ما می گوییم آن ۸۲۶ میلیون مترمکعب برای استفاده کشاورزی و شرب است اما حقابه زیست محیطی هامون داده نشده است. ولی افغان های گویند تعهد ما در این حادثه است. شما می توانید آن ۸۲۶ میلیون مترمکعب را برای محیط زیست صرف کنید یا کشاورزی و آب شرب. اختلاف سر این است و اختلاف کوچکی هم نیست. در گذشته افغانستان چیزی نداشت، سالی ۴ میلیارد مترمکعب آب به ایران می آمد. اما الان سدها را ساخته اند و تنها ۸۲۶ میلیون مترمکعب را می دهند ما باید این عدد را توزیع کنیم.

■ در واقع باید برنامه ریزی داخلی شود.

بله. باید روی این عدد برنامه ریزی کنیم که چقدر از آن را می توان به هامون داد تا گردوغبار بلند نشود، چه قدر صرف کشاورزی شود و چقدر به زاهدان و زابل برود تا آب شرب آنجا تأمین شود. ما باید مشکل خودمان را در داخل حل کنیم. از سوی دیگر فشارهایی هم روی دولت افغانستان است که با ایران به توافق نرسد.

■ سیاست های آبی افغانستان را هم امریکا، اروپا و ترکیه می نویسند.

بله، ما در ساختار سیاسی و دیپلماتیک پیچیده ای قرار داریم. زمانی که آقای اردکانی تازه از خارج آمده بود و تکنوکرات هم بود، می گفت من با دو تا سفر موضوع را درست می کنم اما نتوانست با ۱۰ سفر هم موضوع را حل کند، چون مسائل پیچیده است.

■ احیای دریاچه ارومیه یکی از پروژه هایی است که دولت روحانی به آن افتخار می کند. برخی اعتقاد دارند که نقش شرایط جوی و ترسالی دو سال اخیر از پروژه های دولتی در احیای دریاچه ارومیه، بیشتر است. فکر می کنید چند سال آینده هم از احیای دریاچه ارومیه به عنوان یکی از دستاوردهای دولت روحانی نام ببرند؟

این چه حرف هایی است که می زنند. معلوم است که احیای دریاچه ارومیه منوط به بارش های متعارف دراز مدت است. اگر ما بارش های دراز مدت را نداشته باشیم، دریاچه ارومیه احیا شده خواهد ماند اگر بارش نداشته باشیم دریاچه خزر هم خشک می شود. شما نمی توانید آب را خلق کنید، آب باید خلق شده باشد تا شما دریاچه را احیا کنید. برای مثال سال های ۸۸ و ۹۱ بارش ها مثل دو سال گذشته بود اما در همان زمان تراز دریاچه متأسفانه به طور متوسط ۴۰ سانت پایین رفت. چرا آن زمان پایین رفت الان پایین نمی رود؟ کشاورزی هم تعطیل نشده است اما ما توانستیم سالانه ۸ درصد مصرف آب کشاورزی را از رودخانه ها کم کنیم و به دریاچه بدهیم. تولیدات نه تنها کم نشد که بهره وری تولید هم بالا رفت. در واقع، با سرمایه گذاری، آب اضافه کشاورزی کنترل شد. سر دهنه سدها مهندسی شده است و آب مورد نیاز کشاورزی داده و آب مازاد هم وارد دریاچه ارومیه می شود. برای آن هم ۳۰ هزار میلیارد تومان هزینه شده است.

مالی پیدا کنند. در حال حاضر شرایط سیاسی اجازه همکاری نمی دهد و ربطی به مسائل امنیتی ندارد.

■ اگر تحریم نبود و شرایط سیاسی حال حاضر وجود نداشت، پروژه های جدید بین المللی زیست محیطی را تعریف می کردید؟

آنها [دستگیری محیط زیستی ها] تأثیری در این موضوع ندارد. الان خودمان در موضوع احیای یوز سرمایه گذاری بیشتری داریم. آمدن خارجی هایک حسن دارد که باعث می شود پروژه در سطح بین المللی مطرح شود. تمام هزینه ای که زاپنی ها برای بررسی مشارکت اجتماعی در دریاچه ارومیه صرف کرده اند یک و نیم میلیون دلار است در حالی که دولت بیش از یک میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده است؛ یعنی ۷۰۰ برابر زاپنی ها اما هزینه دولت دیده نمی شود ولی مدام می گویند زاپنی ها آمدند و در احیای دریاچه ارومیه سرمایه گذاری کردند.

■ بحث هامون را پیش کشیدید، محیط زیست چقدر در حوزه دیپلماسی آب فعالیت دارد؟

در حوزه دیپلماسی آب ایران و افغانستان، وزیر نیرو مشغول رفت و آمد است و هنوز به تفاهمی با افغان ها نرسیده است. چون دیپلماسی آب هم تابع روابط سیاسی کشور است. شما نمی توانید محیط زیست را چون محیط زیست است از سیاست و روابط سیاسی کشور منفک کنید. مثلاً روابط ما با کشور ارمنستان بد نیست، حتی به خاطر